



فرزند شهید علی درخشان:

شهید درخشان هرگز در مسیر مبارزه افراط و تفریط نداشت

امیرحسین درخشان فرزند شهید علی درخشان از شهدای انفجار تروریستی حزب جمهوری بایادآوری خاطره‌ای از دیدار با امام خمینی پس از شهادت این شهید گفت: سال ۶۳ به همراه جمعی از اعضا خانواده و حاج اصغر رخ صفت و حاج آقا عسگراولادی به خدمت حضرت امام رسیدیم، حاج آقا عسگراولادی در آن دیدار در توصیف شهید درخشان عنوان کرد ایشان آماده و عریان و لخت برای مبارزه بود و به من گفته بود هر جا شما فکر می‌کنید می‌توانم مؤثر باشم، آماده هستم و هیچ تعصبی روی هیچ چیزی ندارم، بعدها نیز حاج آقا عسگراولادی در دیدارهای متناوب با بنده این موضوع را یادآوری می‌کرد و می‌گفت درخشان بسیار مخلص بود؛ این روحیه در شخصیت حاج آقا نیز بود.

وی افزود: حاج آقا عسگراولادی درباره فعالیت پدر در دوران مبارزه به بیان خاطره‌ای پرداخت که در آن زمان تصمیم براین شد که بخشی از مبارزین باید به بیرون از کشور برای مبارزه بروند و شهید درخشان جزو نفرات نخستی بود که خود برای اجرای این تصمیم پیشقدم شد و این در حالی بود که مبارزین باید خانواده خود را ترک می‌کردند و به تنهایی در راه مبارزه قدم می‌گذاشتند.

فرزند شهید درخشان در ادامه یادآور شد: شنیدم در مجلس شورای ملی اول در شورای مرکزی حزب صحبت از کاندیداتوری اعضا بود و هر کس نامی را می‌برد، شهید بهشتی گفت نام شهید درخشان را هم بنویسید اما شهید درخشان امتناع کرد، تعبیری که حاج آقا عسگراولادی درباره شهید درخشان به کار برد، این بود که همه برای مجلس اول سر و دست می‌شکاندند و من اسامی را می‌نوشتم و پس از اینکه شهید بهشتی نام شهید درخشان را آورد، ایشان با اشاره به من فهماند که تمایلی ندارد اما شهید بهشتی فرمود آقای عسگراولادی شما ایشان را قانع کنید.

او با بیان این نکته که شهید درخشان همواره یکی از پیشقراولان مبارزه و خدمت بود، تصریح کرد: پس از اتمام جلسه؛ شورای مرکزی که در اتاق کنار اتاق من تشکیل می‌شد گاهی حتی جلسه‌ای که تعداد اعضا کمتر از حدنصاب بود در این اتاق که با آقای بهشتی مشترک بود برگزار می‌شد، آقای عسگراولادی تعریف کرد که من بعد از جلسه با شهید درخشان صحبت کردم و اشک در چشم‌های درخشان جمع شد و گفت من در این حزب چه کم‌کاری کردم که می‌خواهید من را به جای پر سر و صدا و پر شهرت بفرستید اگر کم‌کاری کرده‌ام بگویید، من همین جا جایم خوب است، آقای عسگراولادی گفت من دهانم بسته شد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: در یکی از جلساتی که آقای عسگراولادی درباره شهید درخشان صحبت می‌کرد، می‌گفت زمانی که من از زندان بیرون آمدم، بسیاری از دوستان را دیدم که دچار افراط و تفریط در مسیر مبارزه و اعتقادات شدند اما در شهید درخشان هیچ افراط و تفریطی ندیدیم و این جزو اوصافی بود که حاج آقا از شهید عسگراولادی بیان کردند.

که آنقدر فشار و حجم کار زیاد بود به‌ندرت می‌توانست به خانواده سر بزند و آنها را زیارت کند. از طرفی نیز خانواده بویژه مادر نگران حال ایشان بودند چرا که مادر بسیار وابسته به ایشان بودند و بنده متعجب هستم که چگونه مادر بنده بعد از شهادت اخوی توانستند داغ ایشان را تحمل کنند. اما مادر به‌واسطه استقبال از تشییع شهید و فضای مثبت بعد از شهادت بیش از همیشه در برابر این داغ مقاوم بود. من معتقدم شهید بهشتی یک جمله معروفی دارند تحت این عنوان که ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت که به نظر بنده به‌طور بارز این سخن در وجود افرادی امثال شهید عباسپور و شهید قندی تبلور پیدا می‌کرد. این افراد برای خدمت آمدند و خود را عرضه کردند و خداوند بهترین پاداش را به ایشان داد.

■ شادمان لحظه شهادت کجا بودید و چگونه از جریان شهادت ایشان در حزب جمهوری باخبر شدید؟

مانند بقیه ما هم شنیدیم که در حزب جمهوری اتفاقی افتاده و افراد زیر آوار هستند که مادر خیلی دعامی کردند که ایشان از زیر آوار سالم در بیایند اما این انفجار منجر به شهادت ایشان شد. حتی بعضاً هم بعضی از کسانی که از زیر آوار بیرون آمدند عنوان می‌شد که برای مدتی هم ایشان در زیر آوار زنده بودند اما بعد به خاطر آن حجم آواری که روی سر خیلی از عزیزان بود و هوا نرسید همگی به شهادت رسیدند و این چیزی بود که ما اطلاع داریم، نه این شهید بلکه همه شهدا متعلق به ملت هستند و تشییع گسترده آنها روی دست‌های مردم و در نهایت تدفین‌شان در جوار یکدیگر مزدی بود که خداوند به آنها داد.

■ به عقیده شما انگیزه منافقین از عملیات تروریستی در حزب جمهوری چه بود؟

منافقین توسط خارجی‌ها هدایت می‌شدند و می‌دانستند افراد برجسته‌ای نظیر شهید بهشتی، شهید مطهری و شهدای متخصص مانند شهید عباسپور کسانی هستند که ستون‌های برجسته انقلاب را تشکیل می‌دهند، بنابراین این افراد سعی کردند در فرایند جدایی‌شان از ملت دست به ترور مهره‌ها و ستون‌های انقلاب بزنند تا جریان تنوریزه کردن انقلاب و ایده‌هایی که منجر به پیشرفت و شکوفایی می‌شد خاموش شود. اما با وجود این سایه حضرت امام بالای سر ما بود و پس از ایشان هم رهبر انقلاب سکان هدایت را بر عهده گرفتند و منافقین توفیق پیدا نکردند و نمی‌کند.

■ به‌عنوان سؤال پالیانی و باتوجه به فعالیت‌های علمی شهید عباسپور آیامی‌توان ایشان را یکی از پیش‌تازان عرصه دانش بنیان به حساب آورد؟

اگر دانش بنیان را به مفهوم در دست‌گیری صنعت برق و شکوفایی آن در نظر بگیریم، شهید عباسپور از پیشگامان دانش بنیان هستند که معتقد بود حرکت فنی باید بر اساس علم دانش بنیان پیش بیاید و در نهایت پیوند مناسبی بین دانشگاه و صنعت صورت گرفت.

صنعت برق را در اختیار بگیرند و به اذعان بسیاری از کسانی که در زمان شهید عباسپور در وزارت نیرو بودند؛ ایشان مهم‌ترین کاری که در این وزارتخانه کردند این بود که صنعت برق را به یک صنعت خودکفایت تبدیل کرد و شاید این اقدام ناشی از تحمل شرايطی بود که قبل از انقلاب دیده بود و توهین‌هایی که متخصصان خارجی به مهندسان ایرانی می‌کردند و هسته‌های اولیه دانشگاه شهید عباسپور را تشکیل داد. درواقع این خودکفایی صنعت برق را امروزه مدیون تلاش‌های شهید عباسپور و همکاران‌شان هستیم. همچنین باید گفت که ایشان جزو هسته‌های اولیه مجموعه‌ای بودند که به تربیت تکنسین‌ها و متخصصان در زمینه صنعت برق می‌پرداختند که بعدها منجر به تأسیس دانشگاه شهید عباسپور شده که در حال حاضر زیر نظر دانشگاه شهید بهشتی است. اکنون کشور ما به‌صورت مستقل به‌واسطه فعالیت این شهید و دوستانش به خودکفایی رسیده است و این امر به اذعان بسیاری از متخصصان صنعت برق، به همت اخوی بنده و با استفاده از فرصت تعطیلی دانشگاه و استفاده از اساتید زبده و تربیت نیرو و کادرسازی برای ایجاد بدنه علمی صنعت برق ایجاد کرد و باعث شد صنعت برق ما خیلی سریع نسبت به سایر صنایع به خودکفایی برسد.

■ باین تفصیل شهید عباسپور یک وزارتخانه کاملاً وابسته را تحویل گرفت و آن را ساماندهی کرد؟

بله، به‌طور مثال در طراحی و خطوط فشار بالا ایرانی‌ها دخالتی نداشتند اما در شرایط ابتدای انقلاب با همت شهید عباسپور و دوستان‌شان شاهد کاهش و مدیریت خاموشی‌ها بویژه در بحبوحه جنگ، برپا نگه داشتن نیروگاه‌ها، پست‌های فشار قوی و توسعه صنعت برق بودیم. البته خداوند مسیر شهادت را برای ایشان رقم زد اما یکی از اهداف ایشان بحث برق‌رسانی و آب‌رسانی به مناطق محروم و کم‌توان بود که با توجه به گستردگی نقاط محروم در آن زمان تا حد زیادی نیز توانستند به این هدف دست پیدا کنند، توجه به سدهای کشور و سدسازی هم بخش دیگری از فعالیت‌های او بود. برای اطلاع بیشتر باید از دوستانی که با ایشان همراه بودند پرسیده شود. به عقیده بنده دولت شهید رجایی یکی از متخصص‌ترین دولت‌هایی بود که بعد از انقلاب شکل گرفت و بسیاری از این متخصصان متعهد در حزب جمهوری به شهادت رسیدند و در مجموع باید گفت شهید عباسپور دو اقدام مؤثر در کابینه و در وزارتخانه شهید رجایی انجام دادند، یکی آب‌رسانی و برق‌رسانی به مناطق محروم و دیگری ورود نیروهای متخصص برای خودکفایی وزارت در بخش برق و آب. این اقدامات سبب پیش‌قدم بودن صنعت برق ایران در خودکفایی در قیاس با صنعت نفت شد.

■ آقای دکتر، به‌روزهای نزدیک به حادثه تروریستی انفجار حزب برگردیم و از دغدغه‌های آن ایام برادران برای خوانندگان مابگویید؟

شهید عباسپور در آن مقطع خانواده را فراموش کرده بود، در آن روزها بیشتر صنایع در گرو وزارت نیرو بود و همین باعث فشار کاری شد. ایشان تمام زندگی خود را در راه خدمت به مردم گذاشته بود، به‌گونه‌ای

دانش بنیان

اگر دانش بنیان را به مفهوم در دست‌گیری صنعت برق و شکوفایی آن در نظر بگیریم، شهید عباسپور از پیشگامان دانش بنیان هستند که معتقد بود حرکت فنی باید بر اساس علم دانش بنیان پیش بیاید و در نهایت پیوند مناسبی بین دانشگاه و صنعت صورت گرفت

